تصادف

تصادف یک اتفاق نامطلوب غیر منتظره است.

او مجبور شد بعد از سوار شدن در ماشین جدی به بیمارستان برود

دریادار

دریاسالار شخصی است که بسیاری از کشتی های نظامی را کنترل می کند.

آنها به دلیل رهبری عالی دریاسالار در نبرد دریا پیروز شدند.

قوس

قوس یک شکل منحنی است.

رنگین کمان شکل قوس دارد.

شخصیت

شخصیت شما شخصیت شماست.

شخصیت خواهرم سرگرم کننده و بسیار گریزان است.

وجدان

وجدان شما حس درونی شما نسبت به درست و غلط است.

من هرچه توان دارم بازیافت می کنم ، بنابراین وجدانم پاک است!

آتشین

اگر چیزی آتشین باشد ، به شدت می سوزد.

شعله های آتشین تمام شب را می سوزاند.

گوشت

گوشت ، پوست ، ماهیچه و چربی بدن شما است.

گوشت گورخر دارای نوارهای سیاه و سفید است.

گریپ فروت

گریپ فروت میوه ای است شبیه پرتقال ، اما بزرگتر و به آن شیرینی نیست.

آیا می خواهید یک گریپ فروت همراه صبحانه خود میل کنید؟

یونجه

یونجه چمن خشکی است که برای تغذیه حیوانات استفاده می شود یا به عنوان پوشش استفاده می شود.

من باید یونجه بیشتری بخرم تا اسب روی آن بخوابد.

وحشت زده

اگر وحشت کنید ، بسیار شوکه شده اید و احساس ناراحتی می کنید.

وقتی در مورد بانوی پیر مورد حمله قرار گرفتم وحشت کردم.

نفت سفید

نفت سفید نوعی روغن است. در بعضی از لامپها و اجاق گازها استفاده می شود.

بسیاری از مردم در کشورهای فقیر روی اجاق های نفت سفید آشپزی می کنند.

حلقه

حلقه خطی است که به شکل دایره ساخته شده است.

با طناب حلقه ای درست کرد و آن را بالای تیر قرار داد.

دست و پا زدن

پارو ، قطعه ای از چوب یا پلاستیک است که قایق را از طریق آب عبور می دهد.

ما به یک دست و پا زدن نیاز داریم تا به ما کمک کند تا در آن طرف آب حرکت کنیم.

قایق

قایق یک سکو شناور است که از تکه های چوب بهم گره خورده است.

مرد از بامبو یک قایق درست کرد و به دریا شناور شد.

ترش

وقتی چیزی ترش باشد طعم تند و ناخوشایندی دارد.

من لیمو را دوست ندارم زیرا فکر می کنم خیلی ترش است.

سهام

چوب یک قطعه چوب یا فلز کوچک و تیز است که در زمین قرار می گیرد.

ما با قرار دادن سهام در زمین ، اموال خود را علامت گذاری کردیم.

مباشر

مهماندار شخصی مانند پیشخدمت است که در هواپیما و کشتی غذا سرو می کند.

مهماندار در حال آوردن چای است.

رشته

رشته یک پارچه یا طناب نازک است.

یک توپ بزرگ رشته پیدا کردم.

خار

خار قسمت تیز گیاه است.

هنگام گلاب گیری مواظب خار باشید!

خراب شدن

خراب کردن چیزی به معنای از بین بردن یا خراب کردن آن است.

نوجوانان بدون هیچ دلیلی خانه را خراب کردند.

جزیره میمون ها

در وسط اقیانوس ، یک جزیره کوچک به شکل قوس وجود دارد. در اینجا میمون ها در ساحل و درختان بازی می کنند. اما چگونه میمون ها به آنجا رسیدند؟

یک بار ، یک دریادار انگلیسی در حال کاوش در آفریقا بود که صدها میمون را پیدا کرد. شخصیت دریاسالار پست بود. او فکر کرد ، "من می توانم این میمون ها را بفروشم و بسیار ثروتمند شوم! من قصد دارم آنها را به انگلیس ببرم. "

بنابراین دریادار برای گرفتن میمون ها تله هایی تنظیم کرد. او چوب هایی را در زمین قرار داد ، دور آنها را گره زد و حلقه هایی را در رشته ایجاد کرد. وقتی میمون ها از میان جنگل دویدند ، پاهایشان گرفتار حلقه ها شد و آنها نتوانستند فرار کنند. سپس دریادار میمون ها را در قفس های کشتی خود قرار داد و با کشتی دور شد.

قفس ها کوچک و ناراحت کننده بودند. یونجه نرم برای خوابیدن میمون ها وجود نداشت. در عوض ، آنها روی شاخه هایی با خارهای تیز که به گوشت میمون ها بریده می خوابند. برای شام ، آنها قطعات کوچک گریپ فروت ترش را به آنها داد تا بخورند. میمون ها گرسنه و ضعیف شدند.

اما یک روز ، دریادار مهماندار جدیدی را استخدام کرد. او مردی مهربان و با وجدان خوب بود. او از دیدن میمون های لاغر در قفس ها وحشت کرد. بنابراین یک شب آنها را بیرون داد.

میمون ها در سراسر کشتی می دویدند و بازی می کردند! آنها به دریادار و مهماندار حمله کردند و غذای خود را خوردند. آنها كشتی را كاملاً خراب كردند. یک میمون به لامپ نفت سفید برخورد کرد و آن سقوط کرد. کشتی آتش گرفت و شروع به غرق شدن کرد! تمام خدمه به جز میمون ها گم شده بودند.

پس از حادثه ، میمون ها به یک قایق پریدند. آنها از شعله های آتش کشتی دور شدند. صبح ، آنها یک جزیره کوچک را از دور دیدند. میمون ها از یک تکه چوب به عنوان پارو استفاده کردند و آنها به سمت آن رفتند. آنها این جزیره را به شکل قوس پیدا کردند. آنها از یافتن خانه جدید بسیار خوشحال بودند و امروز نیز در آنجا زندگی می کنند.